

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (علیهم السلام)

دکتر مریم ایمانی

(استادیار دانشگاه تربیت معلم)

زینب خطی دیزآبادی

(کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث)

zekhati@yahoo.com

چکیده: تفسیر فی ظلال القرآن، مهم‌ترین اثر سید قطب و بیانگر نبوغ و قدرت فکری این نابغه فرزانه است. این تفسیر در میان تفاسیر قرآن کریم رویکردی سیاسی، اجتماعی، حماسی و تربیتی دارد و مؤلف آن مفسری متجدد و روش تفسیری او نوین است. آشنایی مفسر با علل و اسباب نزول آیات به وی این امکان را می‌دهد که پیام ژرف و تفسیر واقعی آیه را دریابد و برداشت‌های تفسیری خویش را با شرایط و زمینه‌های نزول هماهنگ سازد. تفسیر آیات با عنایت کامل به مختصات ساختاری و محتوایی آنها به منزله معیاری است که مفسر برای ارزیابی اسباب نزول و بررسی صحت و سقم احتمالی آنها از آن بهره برده است. در این جهت سؤال این است که آیا سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن برای اسباب نزول ارزشی قائل بوده یا نه؟ اگر قائل بوده دیدگاه وی درباره آیات نازلہ در شأن ائمه علیهم السلام چگونه است؟

در این پژوهش به این پاسخ‌ها دست یافته‌ایم: سید قطب به اسباب نزول در تفسیرش می‌پردازد اما با قصور در خصوص ائمه اطهار علیهم السلام در قبال این گونه آیات یاسکوت می‌کند یا اسباب نزول معارض آن را بیان می‌دارد.

کلید واژه‌ها: سید قطب، سبب نزول، اهل بیت علیهم‌السلام، روش تفسیری، فی ظلال القرآن.

مقدمه

قرآن مرتبه‌ای از علم الهی و جامع‌ترین، استوارترین و آخرین رهنمود خداوند برای دستیابی به صلاح و فلاح و سعادت هر دو جهان است. ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب بزرگ سبب شده است که نه تنها مسلمانان بلکه دانشمندان ادیان و مذاهب دیگر نیز به دیدهٔ اعجاب به آن بنگرند و در صدد کشف رمز و رازها و مطالب ژرف، بدیع، هدایتگر و سازنده آن برآیند.

اغلب مفسران اعم از شیعه و سنی، شأن نزول آیات را از مهم‌ترین شرایط تفسیر بیان کرده‌اند و در اغلب تفاسیر از بیان آن دریغ ورزیده‌اند. سید قطب یکی از این مفسران است که از این موضوع غافل نبوده و در تفسیرش به این امر مهم پرداخته است.

زندگی سید قطب

سید قطب ابراهیم حسین شاذلی در قریهٔ «موشه» یکی از روستاهای مرزی که به روستای عبدالفتاح نیز معروف است (خالدی [بی‌تا]: ۱۲ - ۱۰) از توابع استان اسیوط مصر در تاریخ ۱۹۰۶ زاده شد. در سال چهارم ابتدایی، یعنی در ده سالگی حافظ کل قرآن شد. در تفسیر فی ظلال نیز این مطلب تصریح شده است، هنوز بیش از ده سال از عمر وی نگذشته بود که همهٔ قرآن را حفظ کرد. در شانزده سالگی وارد دانشسرای عبدالعزیز قاهره شد.

سید قطب از سنین جوانی در مطبوعات مصر مقاله می‌نوشت و به روزنامه نگاری علاقه وافری داشت. نخستین جستار وی در شانزده سالگی در نشریهٔ صحیفه البلاغ به سال ۱۹۲۲ چاپ شد. وی ابتدا با نشریات معروفی چون البلاغ، البلاغ الاسبوعی، الجهاد، الاهرام و غیره همکاری می‌کرد و مرتب برای نشریات مقاله می‌نوشت (همان: ۹۸).

وی در چهل سالگی همزمان با آغاز تفکر دربارهٔ حرکت اسلامی و انقلابی با نشریاتی چون کتاب المصری، کتاب السوادى، الشؤون الاجتماعیه ... همکاری داشت. سید قطب در طول حیات ۲۵ سالهٔ مطبوعاتی خود، ۴۵۵ مقاله و قصیده در مجله‌ها

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (ع) / ۵۷

و روزنامه‌های گوناگون مصر چاپ کرد. وی نیمی از زندگی خود را با نشریات مختلف سپری کرد، در این مدت پی برد که رفتار و عملکرد بعضی از مطبوعات مشکوک است و از چاپ مقالات وی خودداری می‌کنند و دریافت که بعضی از آنها با بیگانگان در ارتباطند؛ به همین سبب مقاله‌ای به نام «الدوله تخفق الادب» بر ضد این دسته از نشریات نگاشت و آنها را رسوا کرد (همان: ۱۱۱).

تا سال ۱۹۴۲ عضو حزب وفد بود و صحف و مجلات و بحث‌های زیادی نوشت و قصاید متعددی منتشر کرد. پس از ده سال فهمید که این گروه در گمراهی به سر می‌برند پس از سال ۱۹۵۱ به بعد به جمعیت اخوان المسلمین که حسن البنا، آن را بنیانگذاری کرده بود پیوست و فعالانه در پیشبرد اهداف آن کوشید، بیشتر تلاش وی در زمینه نقد ادبی بود و کتاب‌هایی را در این زمینه منتشر کرد. مهم‌ترین دوران مبارزه سید قطب از زمانی شروع می‌شود که او به اخوان المسلمین پیوست.

سید قطب در امریکا بود که حسن البنا ترور شد او می‌دید که نشریات امریکایی به شدت از کشته شدن حسن البنا ابزار خوشحالی می‌کنند؛ از این رو، همان‌جا تصمیم گرفت پس از بازگشت از امریکا در سال ۱۹۵۱ به طور رسمی به اخوان المسلمین بپیوندد. وی چنان به این گروه علاقه داشت که همیشه می‌گفت: «من در سال ۱۹۵۱ به دنیا آمده‌ام» (کیپل ۱۳۸۲: ۳۹).

مقالات تند و صریح سید قطب در این نشریه و روزنامه‌های دیگر، سبب شد تا وی در ۱۹۵۴ به همراه حسن الهضیبی^۱ دستگیر و به پانزده سال زندان محکوم شود. وی در زندان تفسیر فی ظلال القرآن را نوشت. پس از پنج سال محکومیت، سید در زندان بیمار شد و بیم مرگ وی می‌رفت؛ از این رو، مسئولان اخوان المسلمین مصر با امجد زهاوی دبیر این جمعیت در عراق تماس گرفتند و به او توصیه کردند عبدالسلام عارف، رئیس‌جمهور وقت عراق را واسطه قرار دهد که جمال عبدالناصر را قانع کند تا سید از زندان آزاد شود. عبدالسلام عارف پیغام فرستاد و به واسطه این پیغام، سید قطب در سال ۱۹۶۴ از زندان آزاد شد.

۱. دبیرکل جمعیت اخوان المسلمین بعد از حسن البنا

مقالات و قصاید اجتماعی و دینی وی زینت بخش مجلات معتبری همچون رساله، المقتطف، اللواء الجديد، الدعوه، الصرخه، مصر الفتاه و المسلمون و الاشتراکيه و مشاهده القیامه فی القرآن به چاپ رسید (خالدی [بی تا]: ۱۷ - ۱۵).

به سال ۱۹۴۸ با نوشتن العداله الاجتماعیه فی الاسلام بار دیگر توجه همگان را به ایدئولوژی پر بار و سازنده و زنده اسلامی جلب کرد (همان جا). از سال ۱۹۵۳ به بعد افزون بر نگارش کتاب‌ها و مقالات مفید و محققانه، نوشتن تفسیری به نام فی ظلال القرآن را آغاز کرد و در سال ۱۹۶۴ آن را به پایان برد. نگارش تفسیر فی ظلال القرآن و نگارش کتاب‌های: هذا الدین، المستقبل لهذا الدین، خصائص التصور الاسلامی، الاسلام و مشکلات الحضاره، معالم فی الطريق و مقومات التصور الاسلامی از آثار مکتوب وی در دوران حبس به شمار می‌آید.

تفسیر فی ظلال که مهم‌ترین اثر سید قطب است، در دو مرحله شکل یافت: بار اول هنگامی که سید قطب هنوز پای در میدان جهاد، حرکت و دعوت نگذاشته بود و بیشتر از لحاظ مباحث زبانی و ادبی به قرآن کریم می‌نگریست؛ و دیگر بار وقتی که با همه وجود پیام قرآن کریم را باز یافت و به صورت عملی به حرکت، تربیت و دعوت ملتزم گشت (خرم‌شاهی ۱۳۸۲: ۷۳۲).

در اکتبر ۱۹۵۲ نخستین جزء این کتاب را دارالکتب العربیه در قاهره منتشر کرد و بدین سان هر دو ماه یک جزء تا جزء شانزدهم انتشار یافت. زمانی که سید قطب دستگیر و راهی زندان شد، با پی‌گیری و شکایت ناشر از دولت، مقامات اجازه دادند که سید قطب در زندان تفسیر خود را کامل کند تا این که در پایان دهه پنجاه میلادی تألیف این تفسیر در زندان به پایان رسید.

فی ظلال القرآن در این مرحله گرچه روشی نوین داشت، اما آن نبود که امروز ما شاهدش هستیم. بلکه مؤلف پس از کشف اعجاز هنری در قرآن و تألیف کتابی در این باره، آرزو داشت که تمام قرآن را با چنین رویکردی تفسیر کند، در این مرحله توفیق یافت بخشی از آرزوهایش را در مورد نمایش هنری در قرآن برآورده سازد و برخی از خواطر ذهنی، زیبایی، نمایش هنری و برخی از مبادی و مناهج تفسیری‌اش را بیان کند. اما زندان، سید قطب را با مرحله جدیدی از تجربه‌های قرآنی، مواجه ساخت و گستره

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (ع) / ۵۹

جدیدی از منهج حرکت اسلامی در دعوت، تربیت، جهاد و انقلاب بر وی گشاد و خداوند او را به کشف کلید فهم گنجینه‌های قرآن کریم و به کارگیری اش در مسیر دعوت و جهاد رهنمون کرد.

شاهکار سید قطب در تأمین این هدف اجزای هفت و هشت از فی ضلال است. چنان که این دو جزء، متمرکزترین، پخته‌ترین و روشن‌ترین اجزای فی ضلال‌اند. سید قطب با همین روش ده جزء نخست فی ضلال را تنقیح کرد و پس از آزادی از زندان قصد داشت، دیگر اجزا را نیز به همین شیوه بازنگاری کند و اجزای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را نیز به همین شیوه نوشت. اما در نهایت فرصت از او سلب شد و او را کشتند (خالدی [بی تا]: ۵۴۹-۵۴۴).

با ادامه فعالیت سید قطب و تأثیر افکار و آراء وی در مردم به ویژه نسل جوان مصر و جهان عرب، در سال ۱۹۶۵ دوباره دستگیر و زندانی شد. محاکمه سید قطب در جایگاه متهم ردیف اول به فرمان جمال عبدالناصر در دادگاه نظامی در تاریخ ۱۹۶۶ آغاز شد و به مدت ۳۶ روز ادامه یافت (همان جا). سرانجام در نهم آگوست ۱۹۶۶ اعدام شد و به شهادت رسید.

سید قطب ۵۹ سال در این جهان زیست و ۲۹ کتاب در ادب و نقد و فکر اسلامی برجای گذاشت که در رأس آن کتاب تفسیر فی ضلال است و او مفسر مدرن به حساب می‌آید (سید قطب ۱۳۷۰: ۲۲).

سید قطب تألیفات بسیاری دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مهمه الشاعر فی الحیاه. التصوير الفنی فی القرآن. مشاهده القیامه فی القرآن. النقد الادبی: اصوله و مناهجه. نقد کتاب مستقبل الثقافه فی مصر. طفل من القرى. الاطیاف الاربعه. اشواک (با همکاری دیگران). المدینه المسحوره. القصص الدینیه للاطفال (با همکاری عبدالحمید جوده السحار). الجدید فی اللغه العربیه (با همکاری دیگران). الجدید فی المحفوظات (با همکاری دیگران). روضه الطفل (با همکاری دیگران). العداله الاجتماعیه فی الاسلام. معرکه الاسلام و الرأسمالیه. السلام العلمی و الاسلام. نحو مجتمع اسلامی. فی ضلال القرآن. خصائص التصور السلامی. الاسلام و مشکلات الحضاره. دراسات اسلامیه. هذا الدین. المستقبل

لهذا الدين. معالم في الطريق. افراح الروح. معركتنا مع اليهود. في التاريخ فکره و منهاج (سید قطب [بی تا]: ج ۱، ۵).

تعریف و فواید معرفت و شناخت اسباب النزول

سبب نزول در اصطلاح مفسران رویداد یا پرسشی است که به اقتضای آن قسمتی (آیه یا آیات یا سوره‌ای) از قرآن کریم همزمان یا در پی آن نازل شده است و به این مجموعه رویدادها و پرسش‌های مزبور اسباب نزول گفته می‌شود.

در گذشته بین اسباب نزول و شأن نزول اختلافی نبود اما دانشمندان معاصر بین آن تفاوت قائل شدند و در تعریف شأن نزول گفته‌اند:

چیزی که آیه یا سوره‌ای از قرآن، برای پرداختن به آن، از جهت شرح و بیان یا برای عبرت آموزی از آن نازل شده است.

پس سبب نزول خصوص واقعه یا مسأله‌ای است که در زمان نزول آیات رخ داده یا مطرح و آیات برای حل آن معضل نازل شده ولی شأن نزول اعم است از حادثه‌ای که در زمان نزول قرآن رخ داده باشد یا در زمان‌های گذشته (بابایی و دیگران ۱۳۸۲: ۱۴۲ و ۱۵۲).

برخی بر این پندارند که بحث و بررسی درباره اسباب النزول اصلاً فایده و بهره علمی ندارد؛ چون تصور می‌کنند که بررسی اسباب النزول به منزله بحثی تاریخی و کشف رویدادها در زمان گذشته است و از این حد فراتر نمی‌رود، و انسان با شناخت اسباب النزول از زمینه‌های تاریخی نزول آیات و سور آگاه می‌شود و معرفت اسباب النزول با چنین منزلتی نمی‌تواند عوائد و بازدهی داشته باشد.

اما باید گفت که اینان در چنین پنداری دچار اشتباه‌اند و تصور آنان سخت لغزان و نادرست است زیرا که آشنایی با اسباب النزول فواید و آثار سودمندی را از پی خود برای هر فرد علاقه‌مند به فهم قرآن کریم به ارمغان می‌آورد که شمار این فواید و آثار سودمند، نسبتاً فراوان است.

در این زمینه علما سخنان گوناگونی داشته‌اند. در نظرگاه زرکشی «بیان سبب نزول

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازل در شأن ائمه (ع) / ۶۱

روشی قوی در فهم مفاهیم کتاب عزیز است و بیان اسباب النزول امری است که برای صحابه با توجه به قرآینی که پیرامون مسئله مشاهده کرده بودند حاصل می‌گردید» (۱۴۱۰: ج ۱، ۲۸). سیوطی به نقل از ابن دقیق العید بیان اسباب النزول را راه بسیار کمک‌کننده‌ای در فهم قرآن می‌داند. واحدی معتقد است که تفسیر آیه بدون آگاهی از داستان آن و بیان نزولش ممکن نیست و برای تفسیر مهم‌ترین امر اسباب نزول است که باید به آن بالاترین توجه را داشت، زیرا که در اخبار و عده آتش به کسی داده شده است که نسبت به نزول جاهل بوده و در تفسیر دچار لغزش شود (واحدی نیشابوری [بی‌تا]: ۴). سیوطی می‌نویسد:

دانشمندان اهل تحقیق اقدام به تفسیر قرآن را برای کسی که نسبت به اسباب نزول آگاهی نداشته باشد حرام کردند. (سیوطی [بی‌تا]: ۴).

سید قطب سبب نزول را موجب روشن‌گری و دقت بیشتر در مفهوم آیات می‌داند (همان: ج ۲، ۹۷۰). البته مفاهیم آیات و مقاصد آنها را به مورد نزولشان منحصر و محدود نمی‌سازد بلکه در کنار آن به قاعده اصولی عبرت به عموم لفظ است نه به سبب خاص آن سخت پایبند است و از نظر وی بخشی از اعجاز قرآن در همین امر نهفته است؛ چه، با وجود آن که آیات آن برای مواجهه با یک امر واقعی در جامعه صدر اسلام نازل شده‌اند؛ لکن این آیات همچنان در همه نسل‌ها و در همه عصرها کارآمد و راه‌گشایند! (سید قطب [بی‌تا]: ج ۲، ۹۷۲ - ۹۷۰؛ ج ۳، ۱۴۲۶ - ۱۴۲۵؛ ج ۶، ۳۵۳۸). و به همین دلیل وی مفهوم و مدلول آیات را بر موارد و مصادیق مشابه موارد نزول آنها تعمیم می‌دهد و از جمله در ذیل آیاتی که سبب نزول خاص‌اند اشارات، حقایق و نکاتی عصری که مطابق با این زمان و مرتبط با مشکلات و موضوعات مبتلا به عصر حاضر است ارائه می‌دهد (همان: ج ۲، ۹۷۲ - ۹۷۰؛ ج ۳، ۱۴۲۵ - ۱۴۲۵؛ ج ۶، ۳۵۳۸) از این رو، مفسر فی ظلال برای دستیابی به چنین هدف مهم و بستر ارزشمند تفسیری، گام‌های چندی را بر می‌دارد که این گام‌ها عبارت‌اند از:

- اشاره به مکی و مدنی بودن سوره و ترتیب نزول آن (همان: ج ۵، ۳۰۰۴).

- بیان اسباب نزول برحسب گزارش‌های تاریخی و روایات (همان: ج ۲، ۹۷۰).

- بیان فضای نزول بر اساس مدلول و سیاق آیات (همان: ج ۳، ۱۵۷۸ - ۱۵۷۰؛ ج ۴، ۱۸۶۳ و...).

- گزارش وقایع و حوادث مهم و بزرگ بر اساس کتب سیره نگاری (همان: ج ۲، ۷۷۷ - ۷۷۶).

درباره استفاده از سنت، سید قطب نیز چون همگان بر این باور است که در دوره‌های مختلف و بر اثر فتنه انگیزی و فرقه گرایی، و به ویژه به واسطه دخالت یهودیان و نقش آفرینی و معرکه آرایبی آنان، سنت پیامبر ﷺ دچار جعل و وضع شده است. اختلاف میان پیروان علی با امویان و با اهل سنت سبب راه یافتن روایات ضعیف در مجموعه سنت گردیده است (سید قطب [بی تا]: ج ۳، ۱۵۹۸) سید قطب خود در مواردی از این روایات جعلی، ضعیف و مردود در تفسیر سود جسته است (همان: ج ۳، ۱۲۹۲؛ ج ۶، ۳۸۳۰، ۳۵۳۸، ۳۴۸۴؛ ج ۳، ۱۴۸۱؛ ج ۲، ۶۶۵ - ۶۶۴).

سید در خصوص فضایل و مقامات دو خلیفه نخستین و نقش و عملکرد سازنده آن دو گزارشاتی را بدون استناد و ذکر منبع آورده است که با دیگر روایات و گزارش‌های تاریخی صحیح در تضاد است (عسکری [بی تا]: ج ۱، ۲۵۰؛ سید قطب [بی تا]: ج ۳، ۱۴۵۶؛ «بی تا الف»: ج ۶، ۳۸۲۸؛ ج ۱، ۴۸۵ - ۴۸۴).

آیات نازله در شأن ائمه (علیهم السلام) و آراء سید قطب

در شأن ائمه حدوداً سیصد آیه گزارش شده است (قندوزی [بی تا]: ۲۸۶ - ۱۲۶). با مراجعه به آیاتی که گفته شد درباره ائمه علیهم السلام نازل شده است، شانزده آیه را انتخاب و مورد بررسی قرار دادم. گفتنی است که انتخاب آیات بدون مراجعه اولیه به تفسیر سید قطب است. از این رو، می‌توان گفت این آیات به خوبی می‌تواند نمونه‌ای از طرز برخورد سید قطب با اهل بیت رسالت علیهم السلام و فضائل آنان باشد. گروهی از دانشمندان شیعه و سنی در صدد جمع آوری آیات نازله در شأن اهل بیت علیهم السلام برآمده و کتاب‌ها و رساله‌هایی در این زمینه تألیف کرده‌اند.^۱ روایات انتخاب شده در این جستار همگی از

۱. سید احمد حسینی اشکوری در مقدمه چاپ اول مانزل من القرآن فی اهل بیت علیهم السلام تألیف حسین بن حکم حیرى، نام ۴۴ اثر از این قبیل تألیفات را آورده است و سید محمد رضا حسینی جلالی در مقدمه چاپ دوم همان

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازل در شأن ائمه (ع) / ۶۳

مصادر اهل سنت است.

پیش از پرداختن به آیات نازل در شأن ائمه باید بگوئیم که سید قطب بیشتر از منابع تفسیری چون جامع البیان عن تأویل آئی القرآن، محمد بن جریر طبری (برای مثال نک. سید قطب [بی تا]: ج ۳، ۱۲۲۱ - ۱۲۲۰). الکشف و البیان فی تفسیر القرآن احمد بن ابراهیم ثعلبی النیشابوری (همان: ج ۳، ۱۰۲۱) معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، حسین بن مسعود بغوی (همان: ج ۲، ۱۰۷۶؛ ج ۳، ۱۵۸۷، ج ۵، ۳۱۱۶). الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی (همان: ج ۷، ۲۰۷؛ ج ۱۰، ۱۳۳)، الکشاف، محمود بن عمر زمخشری (همان: ج ۴، ۲۵۰۱؛ ج ۶، ۳۳۸۲ - ۳۳۸۱، ۳۴۱۴)، التفسیر القرآن العظیم اسماعیل بن کثیر دمشقی (همان [بی تا]: ج ۳، ۱۱۹۸ - ۱۱۹۷) - بیشترین بهره را از این کتاب برده است - الدر المنتور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی (همان: ج ۳، ۱۶۴۱)، روح المعانی محمود آلوسی بغدادی (همان: ج ۳، ۱۶۴۲)، بهره برده است. اولین آیه‌ای که مطرح شده در این بحث:

۱. آیه ﴿و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات اللّٰه...﴾ (بقره: ۲۰۷). «و از مردم کسی هست که در طلب رضای خدا از سر جان می‌گذرد و خداوند به بندگان مهربان است».

این آیه در شأن علی علیه السلام است، زمانی که در شب لیله المیبت امام علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر ایشان خوابید و پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح و سالم به مدینه رهسپار گشت.^۱

رساله که به نام تفسیر الحبری چاپ شده، با تهذیب و تکمیل نوشته اشکوری، نام شصت و پنج کتاب را ذکر کرده است.

۱. سیوطی به سه طریق این روایت را آورده: به اسنادش از سدی از ابن عباس: و من الناس من یشری نفسه... در حق علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است، هنگام فرار پیامبر صلی الله علیه و آله از دست مشرکین به غار با ابوبکر که علی علیه السلام در بستر حضرت خوابیدند. و به همین اسناد روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که اراده نمود هجرت کند علی علیه السلام را در مکه جا گذاشت تا دیونش را بپردازد و امانت‌ها را بدهد از آنچه نزدش بود، و امر کرد به او شب هنگام خروج به سوی غار زمانی که مشرکین خانه‌اش را محاصره کرده بودند که لباس برد حضرمی را بپوشد و در جایش بخوابد و ان شاء الله مشکلی برایت پیش نمی‌آید و علی علیه السلام در جای او خوابید. پس وحی کرد خداوند به جبریل و میکائیل که شما را برادر قرار دادم و قرار دادم عمر یکی از شما را بیشتر از دیگری و یکی از شما را مختیر کردم زندگی را انتخاب کند که هر دوی شما زندگی را انتخاب کردید. پس وحی کردم به آن دو همان‌گونه که شما را برادر قرار دادم آن دو را نیز برادر قرار دادم، و علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید خودش را فدای او نمود تا او زندگی نماید به زمین هبوط کنید و او را از شر دشمنانش محفوظ دارید. پس جبریل بالای سر او و

سید قطب ذیل این آیه به شأن نزول آن از زبان ابن کثیر می‌پردازد و می‌نویسد:

ابن کثیر در تفسیر خود آورده، ابن عباس، انس، سعید بن مسیب، ابو عثمان نهوی، عکرمه و... گفته‌اند: این آیه در مورد صهیب رومی نازل شده است و خبر این کار صهیب به پیامبر ۹ رسید و حضرت فرمود: ریح صهیب، ریح صهیب. البته سید قطب این آیه را عام می‌گیرد و دیگر مؤمنین را نیز مشمول این آیه می‌داند.

نقد: فضل بن روزبهان در ابطال الباطل می‌نویسد:

اکثر مفسران این آیه را در حق صهیب دانسته‌اند. امام فخر رازی که در تفسیر خود اقوال تمام مفسران را آورده به این شأن نزول اشاره‌ای نکرده و آیه را در حق علی ع دانسته است. سیوطی در در المثور عموم روایات اهل سنت را نقل کرده، به روایتی که مربوط به این مطلب باشد اشاره ندارد؟ (مظفر ۱۹۷۶: ۱۲۹ - ۱۲۷).

طبری و سیوطی و آلوسی سه مفسر مورد اعتماد سید قطب‌اند. به این شأن نزول اشاره کرده‌اند.

۲. «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۴). «آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند».

جمهور روایت کرده‌اند (شوشتری [بی‌تا]: ج ۳، ۲۶۴) که این آیه در حق علی ع نازل شده است. حضرت هر روز چهار درهم انفاق می‌کردند: یک درهم در شب، یک درهم در روز، یک درهم مخفیانه، یک درهم آشکارا.^۱

میکابیل کنار پای او نشست، پس جبریل به او گفت: آفرین بر تو ای علی بن ابیطالب ع، خداوند به تو مباحث می‌کند بر ملائک، پس نازل کرد خدای متعال این آیه را بر رسول و مردم را متوجه نمود که این آیه در شأن علی ع نازل شده است. (سیوطی، [بی‌تاب]: ج ۶، ۳۷۶. با اندک تفاوتی در متن نک. واحدی نیشابوری، [بی‌تا]: ۳۳۱. رازی، [بی‌تا]: ج ۳، ۲۴۳. قرطبی، ۱۹۳۶: ج ۱۹، ۱۲۹؛ طبری، ۱۳۵۶: ۱۰۲. شوکانی، [بی‌تا]: ج ۵، ۳۳۸. آلوسی، ۱۳۶۴: ج ۲۹، ۱۵۷؛ [بی‌تا]، بیضاوی، [بی‌تا]: ج ۴، ۲۳۵. قندوزی، [بی‌تا]: ۹۳؛ نعلبی، [بی‌تا]: ج ۲، ۱۳۷۶. ۱. واحدی در اسباب النزول می‌نویسد: «محمد بن یحیی بن مالک الصبی به ما خبر داد: حدثنا محمد بن اسماعیل الجرجانی، قال حدثنا عبدالرزاق، قال حدثنا عبدالوهاب بن مجاهد از ابیه عن ابن عباس در مورد این آیه می‌گوید: در حق علی ع نازل شده است، حضرت چهار درهم هر روز انفاق می‌کردند: یک درهم در شب، یک درهم در

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازل در شأن ائمه (ع) / ۶۵

سید قطب ذیل این آیه شأن نزولی بیان نمی‌کند و آیه را عام می‌گیرد، با این که سیوطی به سه طریق این شأن نزول را ذکر کرده است (سید قطب [بی تا]: ج ۱: ۳۱۶). و (ابن کثیر نیز به این مطلب پرداخته است، در ضمن سید قطب بیشترین روایات تفسیری خود را از ابن کثیر نقل می‌کند.

۳. آیه ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...﴾ (توبه: ۳). «و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر روز عید قربان که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند!...»

در مسند احمد بن حنبل آمده است که منظور علی عليه السلام است، زمانی که بر آیاتی از سوره براءت اذن داده شد. هنگامی که رسول خدا صلى الله عليه وآله به ابوبکر دستور خواندن آن را داد، رسول خدا پس از نزول این آیه، مطلب را به علی عليه السلام مسترد کرد تا حضرت آن آیات را بخواند، رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «در همان حین امر شدم به این که یا خودم یا یکی از خودم این آیه را بخواند» (احمد بن حنبل ۱۴۰۲: ۴۴).

سید قطب این شأن نزول را با اندکی تغییر در تفسیرش بیان کرد، در تفسیرش می‌نویسد: علی و ابوبکر با یکدیگر به این اعلام پرداختند (سید قطب [بی تا الف]: ۱۵۹۹).

سید قطب ذیل این آیه بیان می‌کند:

روایت‌های متعددی درباره شرایط و ظروف این اعلان، و شیوه تبلیغ و رساندن آن. و کسی که آن را تبلیغ کرد و رساند، نقل شده است. صحیح‌ترین و نزدیک‌ترین آنها به سرشت چیزها و دارای هماهنگی بیشتر با واقعیت زندگانی گروه مسلمانان در آن روزگار، چیزی است که ابن جریر بیان داشته است، بدان هنگام که چنین روایت‌هایی را عرضه و بررسی می‌کند. در اینجا از تعلیقات ابن جریر چیزهایی را گلچین می‌کنیم که با دیدگاه ما درباره حقیقت واقعه همخوانی دارد. از چیزهایی صرف‌نظر می‌کنیم که از گفتار او نمی‌پسندیم و با آنها موافق نیستیم یا سخنانی را از گفته‌هایش بیان نمی‌داریم

روز، یک درهم مخفیانه، یک درهم آشکارا. (واحدی، همان: ۶۴؛ با همین مضمون نک. بغوی ۱۴۱۵: ج ۱، ۲۴۹. نک زمخشری [بی تا]: ج ۱، ۱۶۴؛ رازی [بی تا]: ج ۷، ۸۹، خازن [بی تا]: ج ۱، ۲۴۹، طبری: ۱۳۵۶: ۸۸ ابن الجوزی. [بی تا]: ۱۷؛ قرطبی ۱۹۳۶: ج ۳، ۳۴۷؛ ابن کثیر [بی تا]: ج ۱، ۳۲۶؛ ابن ابی الحدید ۱۳۸۵: ج ۱، ۷؛ بیضاوی [بی تا]: ج ۱، ۲۶۷. سیوطی، [بی تا]: ج ۱، ۳۶۳. سیوطی [بی تا الف]: ۴۲.

که برخی مخالف و متناقض با برخی دیگر در این باره است. زیرا ما روایت‌هایی متعدد و تعلیقات طبری را نقد و بررسی نمی‌کنیم، لکن چیزی را می‌نگاریم که ترجیح می‌دهیم» (همان: ج ۵، ۸۳۱).

۴. آیه ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا...﴾ (انسان: ۸) «و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند!»

جمهور عقیده دارند (مرعشی شوشتری ۱۰۱۹: ج ۳، ۱۵۷) زمانی این آیه نازل شد که حسن و حسین مریض شدند، به جهت مشهور بودن این حدیث و محدودیت نوشتار از گزارش آن صرف‌نظر می‌کنیم.^۱

بیشتر مفسران این سوره را مدنی دانسته‌اند اگر همه آن را نداند برخی از آیات را مدنی دانسته‌اند (طباطبایی [بی‌تا]: ج ۱۰، ۱۳۳ - ۱۳۲). سید قطب این نظر را بعید می‌داند و کاملاً رد می‌کند و می‌گوید:

چون پس از سوره‌هایی مثل: قلم و مزمل و مدثر آمده بعید است مدنی باشد. و همچنین چون در آیه به صبر پیامبر و نعمت‌های متعدد اشاره شده این سوره جداً مکی است (سید قطب [بی‌تا الف]: ج ۶: ۳۷۷۷).

نظر علامه طباطبایی در مورد مکی یا مدنی بودن این است که سیاق آیات این سوره و خاصه آیه یوفون بالندر و آیه و يطعمون الطعام الخ سیاق یک داستان واقعی است که در خارج اتفاق افتاده است و ذکر اسیر در میانه کسانی که به دست ابرار اطعام شده‌اند، بهترین شاهد است بر این که این آیات در مدینه نازل شده است، چون مسلمانان در مکه قدرتی نداشتند تا اسیر داشته باشند. در ضمن پیامبر اذیت و آزاری که در منافقان مدینه دید کمتر از اذیت مشرکان مکه نبود و در سوره‌های دیگری چون کهف نیز به نعمت‌های

۱. واحدی نیشابوری [بی‌تا]: ۳۳۱. رازی [بی‌تا]: ج ۳، ص ۲۴۳. ابن الجوزی [بی‌تا]: ۳۲۲. قرطبی ۱۹۳۶: ج ۱۹، ۱۲۹، ۱۳۵۶. طبری، ۱۰۲ ابن ابی الحدید [بی‌تا]: ج ۱، ص ۷. ابی حیان الاندلسی [بی‌تا]: ج ۸، ۱۳۵۶، ۳۹۹۵. خازن، ج ۷، ۱۵۹، سیوطی [بی‌تا]: ج ۶، ۲۹۹. الکشفی الترمذی الحنفی، ۶۴. شوکانی [بی‌تا]: ج ۵، ۳۸۸. آلوسی ۱۳۶۴: ج ۲۹، ۱۵۷. بیضاوی [بی‌تا]: ج ۴، ۲۳۵. قندوزی [بی‌تا]: ۹۳. واحدی نیشابوری [بی‌تا]: ۳۳۱. رازی [بی‌تا]: ج ۳، ۲۴۳.

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازل در شأن ائمه (ع) / ۶۷

بهشتی اشاره شده در حالی که این سوره مدنی است. البته به نظر علامه سوره دفعتاً نازل نشده بلکه نزول آن در دو مرحله بوده مرحله اول مکی از و اصبر لحکم ربک... تا آخر، مرحله دوم مدنی از ابتدا تا و اصبر... اما در جواب افرادی که می‌گویند، این سوره یک دفعه نازل شده، چنین توضیحی می‌دهد (طباطبایی [بی تا]: ج ۲۰، ۳۶۷).

سید قطب ذیل این آیه به شأن نزولی اشاره نکرده و آیه را عام دانسته است (همان: ج ۶، ۳۷۸۲ - ۳۷۸۱). البته بعضی از مفسران نیز این عمل علی عليه السلام و اهل بیتش را محال دانستند و چنین سبب نزولی را نمی‌پذیرند (شوشتری [بی تا]: ج ۳، ۱۷۰). در حالی که ما افراد زیادی را می‌بینیم که ریاضت‌های سخت تری را انجام می‌دهند یا افرادی که چار درمانی می‌نمایند و به مدت چهل روز فقط آب می‌نوشند پس نمی‌توان این عمل را از محالات دانست. غزالی در فصل شکستن شهوت می‌نویسد:

... بالاترین درجه آن این است که سه روز یا بیشتر گرسنگی بکشند... ابوبکر صدیق شش روز گرسنگی کشید، عبدالله بن زبیر هفت روز امساک نمود... (مظفر ۱۹۷۶: ج ۲، ۱۷۷).

۵. آیه بعد ﴿... وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾ است (احزاب: ۲۵) «... و خدا خود امر جنگ را از مؤمنان کفایت فرمود...» که در مورد کشتن عبدود است. (کنجی الشافعی: ۱۱۰) [بی تا] ابن مسعود در قرائتش «بعلی» را اضافه نموده که تأکیدی بر انجام این کار از جانب علی عليه السلام است (شوشتری [بی تا]: ج ۳، ۳۷۶).

در اینجا اشکالی وارد کرده‌اند و آن این است که قرائت ابن مسعود از قرائات متواتر نیست و شیعه از قرائات شاذ پیروی می‌کند (همان [بی تا]: ج ۳، ۳۷۸). مرحوم شوشتری به این اشکال چنین پاسخ می‌دهد:

این از قرائات متواتر نیست اما از قرائات شاذ هم نیست. و به خاطر وجود واسطه بین این دو از قرائات آحاد محسوب می‌گردد که صحیح است به نقل از سیوطی در کتاب الاتقان از قاضی جلال الدین الباقینی می‌گوید: همانا قرائت به متواتر و آحاد و شاذ تقسیم می‌شود پس قرائات سبعة مشهورند، قرائات ثلاثه آحادند که روی هم ده قرائت می‌شود و قرائت صحابه به آن ملحق می‌شود و قرائت تابعین جز قرائات شاذ محسوب می‌شود (همان جا).

سید قطب ذیل این آیه شأن نزولی بیان ننموده است و آیه را عام می‌گیرد (سید قطب [بی تا الف]: ج ۱، ۳۲۵).

۶. آیه بعد ﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ ذَاكِرُونَ﴾ (مائده: ۵۵) است. «ولی و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند».

بی تردید این آیه، به هنگامی که علی علیه السلام انگشترش را در حال رکوع به سائل داد، درباره وی نازل شده است. و این، مورد اتفاق و اجماع مفسران است. مفسرانی چون ابن کثیر، سیوطی، طبری، قرطبی و... به طرق مختلف به این شأن نزول پرداخته‌اند. آنان در مورد معنی کلمه ولایت با شیعه اختلاف دارند و ولایت را به معنی نصرت و یاری گرفته‌اند. لکن در خصوص شأن نزول با شیعه متفق‌اند.

در ذیل این آیه نیز سید قطب به شأن نزول این آیه اشاره‌ای نمی‌کند (سید قطب [بی تا الف]: ج ۲، ۹۲۰).

۷. آیه ﴿... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾ (آل عمران: ۶۱). «... به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود...»

این آیه در حق پنج تن آل عبا نازل شد، مفسران اجماع کردند بر این که منظور از ابناثنا اشاره به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است و نساثنا منظور حضرت فاطمه (س) است و انفسنا اشاره به امام علی علیه السلام دارد.^۱

سید قطب می‌نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسیحیان نجران را به مباحله دعوت کرد. آنها با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دچار رعب و وحشت شدند و دست از مباحله کشیدند.

۱. تمامی مفسران ذیل این شأن نزول را به یک یا چند طریق در تفاسیرشان ذکر کرده‌اند. از جمله: زید بن علی، احمد بن مفضل، معمر بن قتاده، ابن زید، علیاء بن احمر الیشکری،... نک نیشابوری [بی تا]: ج ۷، ۱۲۰. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل [بی تا]: ج ۱، ۱۸۵. طبری ۱۳۵۶: ج ۳، ۱۹۲. ابوبکر الجصاص ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۱۶. حاکم نیشابوری ۱۹۸۴: ج ۳، ۱۵۰. حاکم [بی تا]: ۵۰. ثعلبی [بی تا]: ۹۵. الاصبهانی، [بی تا]: ۲۹۷. واحدی نیشابوری، [بی تا]: ۷۴. بغوی ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۰۳. بغوی [بی تا]: ج ۲، ۲۰۴. رازی [بی تا]: ج ۸، ۸۵. ابن اثیر [بی تا]: ج ۹، ۴۷۰.

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازل در شأن ائمه (ع) / ۶۹

نظر مفسران اهل سنت دربارهٔ آیهٔ مباهله

سید محمود آلوسی در تفسیر روح المعانی می‌نویسد:

هیچ مؤمنی در دلالت آیه بر فضل خاندان پیامبر ﷺ تردید نمی‌کند و پندار ناصبی‌ها که این آیه دلالت بر فضل اهل بیت علیهم السلام ندارد، هذیان و نشانه‌ای از تماس با شیطان است (۱۳۴۶: ج ۳، ۱۹۰).

جارالله زمخشری «قوی‌ترین دلیل بر فضیلت اصحاب کساء را آیه مباهله می‌داند» [بی تا: ج ۱، ۳۷۰].

در نظرگاه فخر رازی: «درستی روایت آمدن پیامبر ﷺ همراه علی و حسن و حسین و فاطمه برای مباهله بین اهل تفسیر و حدیث، شبه اتفاق است». سپس روایتی را نقل می‌کند به این مضمون که پیامبر ﷺ بعد از اجتماع آن افراد (اهل بیت)، آیهٔ تطهیر را تلاوت کرده است (همان: ج ۸، ۸۵).

۸. ﴿...الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...﴾ (مائده: ۳) «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم...»

این آیات در شأن علی علیهم السلام پس از خروج پیامبر از حجة الوداع آیات نازل شد و بر ولایت حضرت علی علیهم السلام پس از پیامبر صحبت می‌کند. در این سفر بیش از صد و بیست هزار نفر همراه حضرت بودند. احادیثی که در مورد واقعهٔ غدیر نوشته شده از احادیث متواتر است، احمد بن حنبل چهل طریق برای این واقعه در مسندش ذکر کرده است. ابن جریر هشتاد طریق، سیوطی هفتاد طریق، ابن عقده صد و پنجاه طریق، ابوسعید سجستانی صد و بیست طریق، ابوالعلاء عطار همدانی دویست و پنجاه طریق برای این حدیث گزارش کرده‌اند (شاکری [بی تا]: ۸۲).

براساس نظر سید قطب «این آخرین آیهٔ نازل است، زیرا اكمال رسالت و اتمام نعمت را به پیامبر ﷺ اعلام می‌دارد.» سید قطب در ادامه به این روایت اشاره می‌کند که عمر با بصیرت نافذ و قلب واصل، این مطلب را درک کرد: روزگار پیامبر ﷺ به پایان رسیده است و باید ادای امانت کند و ابلاغ رسالت. پس گریست و قلبش نزدیکی این روزگار سخت را درک نمود.»

سید قطب در ادامه می‌گوید که خداوند به مردم اعلام کرد دین حقیقی این است و نقص و قصوری در این دین راه نیافته است. و مؤمنین باید این مطلب را کاملاً درک کنند». (سید قطب [بی تا]: ج ۲، ۸۴۶-۸۴۱).

۹. آیه ﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ (نساء: ۵۹) «ای کسانی که ایمان آوردید از خداوند اطاعت کنید، پیامبر را اطاعت نمایید و مطیع فرمان او و اولی الامر که از خود شماست باشید». منظور از اولی الامر ائمه اطهار هستند (قندوزی [بی تا]: ۱۱۴ و ۱۱۷؛ حاکم حسکانی حنفی [بی تا]: ج ۱، ۱۴۸؛ رازی [بی تا]: ج ۳، ۳۵۷، ابوحیان المغربی اندلسی ۱۱۴۰: ج ۳، ۲۷۸ کشفی ترمذی [بی تا]: ۵۶).

سید قطب ذیل این آیه نیز به شأن نزولی اشاره نمی‌کند و اولی الامر را فرماندهان و کارگزاران قلمداد می‌کند. (سید قطب [بی تا]: ج ۲، ۶۸۸-۶۸۷).

۱۰. آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾. (توبه: ۱۱۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید».

این آیه در حق رسول خدا ﷺ و علی ع و اهل بیت آن حضرت نازل شده است (خوارزمی [بی تا]: ۱۸۹؛ حاکم [بی تا]: ج ۱، ۲۵۹؛ سیوطی [بی تا]: ج ۳، ۲۹۰؛ کشفی ترمذی [بی تا]: ۴۲؛ شوکانی [بی تا]: ۳۹۵؛ سلیمان الفندوزی [بی تا]: ۱۱۸).

در نظرگاه سید قطب اهل مدینه با توجه به پذیرفتن دعوت پروردگار و تلاش زیادی که برای رسیدن به حق داشتند، کسانی بودند که پیامبر را پناه دادند و با او بیعت کردند، و کسی که مصاحب رسول خدا بوده و نفس خویش را برای رسول خدا فدا نموده جزء صادقین به شمار می‌آید (سید قطب [بی تا]: ج ۳، ۱۷۳۳).

سید قطب نخست از اهل مدینه می‌نویسد و به منزله شأن نزول این آیه و در آخر به ابوبکر اشاره می‌کند، چون مصاحب رسول خدا بود. در اینجا سید قطب مصداق آیه را انصار و یک نفر از مهاجرین، یعنی شخص ابوبکر می‌داند.

۱۱. ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (یونس: ۵۸) «بگو

به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که این، از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است!»

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازل در شأن ائمه (ع) / ۷۱

گروهی از بزرگان با استناد به ابن عباس رضی الله عنهما و برحمته را فضل خداوند نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی رضی الله عنهما گرفته‌اند (الکنجی الشافعی [بی تا الف]، شافعی بغدادی [بی تا]: ج ۵، ۱۵؛ حاکم [بی تا]: ج ۱: ۲۶۸؛ ابن صباغ [بی تا]: ۱۱۳؛ خازن نیشابوری [بی تا]: ج ۵، ۲۰۳؛ بغوی ۱۴۱۵: ج ۵، ۲۰۳؛ کشفی ترمذی [بی تا]: ۶۳).

در نظرگاه سید قطب عمر که در دین افقه است می‌داند که فضل و رحمت پروردگار چیست؟ این فضل بالاترین درجه تقوی است، برخی می‌پندارند مال و مرکب و روزی فراوان فضل پروردگار است که این طرز تفکر اشتباه است (سید قطب [بی تا]: ج ۳، ۱۸۰).

۱۲. ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (احزاب: ۲۳) «از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند، پس برخی از آنها پیمان خود را به انجام رساندند و برخی‌شان در همین انتظارند و هرگز پیمان خود را تغییر ندادند». - منظور از رجال تسبیح همان ائمه اطهار است. -^۱ سید قطب می‌نویسد:

امام احمد از ثابت روایت کرده: عموم انس پسر نضر که من نسبت به او ثابت پسر انس نامیده شده‌ام در جنگ بدر با پیامبر شرکت نجست. از این بابت سخت ناراحت شد و گفت: اولین جنگی که پیامبر خدا در آن شرکت کرد، شرکت نکردم و غایب بودم اگر خداوند از این به بعد صحنه‌ای از جنگ در خدمت پیامبر نصیب فرماید، یزدان خواهد دید که چه خواهیم کرد.

ثابت گفت:

عموم ترسید بیش از این چیزی بگوید. با پیامبر در جنگ احد شرکت کرد. سعد بن معاذ به سویش آمد. انس به او گفت: ای ابو عمرو کجا؟ چه بوی بهستی، من بوی بهشت را از جانب احد می‌بویم. ثابت می‌گوید: عموم جنگید تا کشته شد. و در بدن او هشتاد و اند ضربه شمشیر و نیزه و تیر یافت شد. خواهر انس گفته: «برادرم را شناختم مگر با انگشتانش». ثابت می‌گوید، آن گاه این آیه نازل شد.

۱. حاکم حسکانی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱، کنجی شافعی، [بی تا] ۲۴۹، قندوزی حنفی، [بی تا]، ۹۶، خوارزمی حنفی، [بی تا]، ۱۹۷، ابن صباغ مالکی، [بی تا]، ۱۱۶، ابن حجر شافعی، [بی تا]، ۸۰، [بی تا]، ۹۷، علاء‌الدین بغدادی، [بی تا]، ج ۵، ۲۰۳، بغوی شافعی، (۱۴۱۵)، ج ۵، ۲۰۳.

سید قطب این آیه را در شأن انس بن نضر می‌داند و به عام بودن آیه اشاره نمی‌کند. ۱۳. ﴿... قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ (شوری: ۲۳)، «بگو، از شما بر آن، اجری جز مودت خویشان نمی‌خواهم...» منظور دوست داشتن اهل بیت علیهم‌السلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

سید قطب ذیل این آیه می‌نویسد:

... تفسیر منقول از ابن عباس را در اینجا ذکر می‌کنم: در صحیح بخاری از ابن عباس آمده که سعید بن جبیر ذیل آیه ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ گفته: منظور خویشاوندی آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، ابن عباس گفت: شتاب کردی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده: تیره‌ای از تیره‌های قریش نیست مگر این که با حضرت خویشاوندی داشته، ابن عباس در ادامه گفت: مراد این است که خویشاوندی و قرابت را پیوند دهید و صلح رحم به جای آورید که میان من و شماست یعنی، در حق چیزی که شما را به سوی آن رهنمود می‌کنم، برای مراعات قرابت و خویشاوندی، اذیت و آزار خود را بازگیرید و گوش فرا دهید و نرمش داشته باشید. ابن پاداش من است. سید قطب می‌گوید: تفسیر ابن عباس از تفسیر سعید بن جبیر به واقعیت نزدیک‌تر است.

۱۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (مجادله: ۱۲). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با پیامبر (خدا) گفتگوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید. این (کار) برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است»

این آیه را در شأن علی علیه‌السلام دانسته‌اند. سید قطب ذیل این آیه چنین نوشته است: «تنها کسی که به این آیه عمل کرد، علی کرم الله وجهه است و چون پرداخت صدقه برای دیگر مسلمین مشقت داشت این آیه با آیه بعد نسخ شد».

۱۵. ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیرا﴾ (احزاب: ۳۳) «خداوند می‌خواهد رجس و پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را کاملاً پاک سازد». این آیه در شأن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او که فاطمه (س)، علی علیه‌السلام و حسن و حسین علیهم‌السلام نازل شده است. (نیشابوری [بی‌تا]: ج ۱۵، ۱۹۴).

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (ع) / ۷۳

سید قطب این آیه را در شأن همسران پیامبر ﷺ می‌داند (سید قطب [بی‌تا]: ج ۵، ۲۸۶۲).

۱۶. «و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً علی سررٍ متقابلین» (حجر: ۴۷) «هرگونه حسد و کینه و دشمنی را از سینه آنها بر می‌کنیم و روحشان را پاک می‌سازیم در حالی که همه برادرند، و بر تخت‌ها رو به روی یکدیگر قرار دارند».

ابوهریره می‌نویسد: علی بن ابیطالب به رسول خدا گفت: «یا رسول الله من نزد تو محبوب ترم یا فاطمه؟» حضرت فرمود: «فاطمه محبوب است نزد من و تو از او عزیزتری، گویی من و تو با هم در کنار حوض هستیم و مردم از آن حوض با ظرف‌های دسته‌دار آب می‌نوشند مثل ستاره‌های آسمان، در حالی که تو و حسن و حسین و فاطمه و عقیل و جعفر در بهشت بر تخت‌هایی مقابل هم برادرانه نشستند» (خوارزمی [بی‌تا]: ۶۸).

سید قطب ذیل این آیه از تفسیر قرطبی نقل می‌کند (قرطبی ۱۹۳۶: ج ۷، ۲۰۷؛ ج ۱۰، ۱۳۳) که طبق آن امام علی علیه السلام اظهار امیدواری می‌کند که وی و عثمان و طلحه و زبیر از کسانی باشند که خداوند درباره آنها فرمود: «و نزعنا ما فی صدورهم غل...» (سید قطب [بی‌تا]: ج ۳، ۱۲۹۲). این روایت با لفظی دیگر و بدون نام عثمان و زبیر نیز روایت شده و سبب صدور آن دلجویی امام علی علیه السلام از فرزند طلحه دانسته شده است (محمد بن سعد [بی‌تا]: ج ۳، ۲۲۵؛ نحاس [بی‌تا]: ج ۲، ۳۷). همچنان که آیه‌ای که همراه با این روایت ذکر شده با آیه‌ای که در فی ظلال القرآن و منبع اصلی آن، یعنی قرطبی آمده متفاوت است (روایت دوم در ذیل آیه ۷۴ از سوره حجر آمده است) افزون بر این، گونه احادیث ضعیف و مشکوک الصدور بوده و عدم صدور آنها قطعی به نظر می‌رسد، زیرا در این روایت اظهار امیدواری برای حشر با کسانی شده که دشمن یکدیگر بوده‌اند. طلحه و زبیر نقش عمده در قتل عثمان را بر عهده داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در نگاه به زندگانی سید قطب و آثار او به این نتیجه می‌رسیم که وی با نبوغ ذاتی خود می‌کوشید روح حماسی و هنری قرآن را بنمایاند. در حالی که ضرورت آگاهی یک

مفسر نسبت به علوم مقدماتی تفسیر از قبیل علم لغت، علم رجال، علم درایه، معانی و بیان، و وقوف بر روایات مربوط در حد لازم امری انکارناپذیر است. هر چند می توان از استعداد ذاتی به منزله یکی از عوامل موثر در این زمینه نام برد، ولی بدون ورود و آشنایی در زمینه های مذکور نمی توان صرفاً با اتکاء به استعداد ذاتی در این وادی قدم گذاشت و اظهار نظر کرد. افزون بر آشنایی لازم نسبت به علوم پیشگفته، مفسر باید از دانش و تجربه های دیگران و تاریخ اسلام و حتی تاریخ سایر ادیان سود جوید. در ضمن او تفسیر فی ظلال را در زندان نوشت و بدیهی است که در زندان با توجه به وضعیت خاص آن، شرایط، امکانات و منابع لازم و کافی در اختیار نداشت تا تألیف تفسیری قابل قبول و قابل اعتماد میسر شود. همچنین وی به مدت ده سال از قرآن و اسلام دور ماند و پس از نوشتن کتاب العداله الاجتماعیه فی القرآن، دوباره به قرآن روی آورد و پس از آن با دید هنری به قرآن پرداخت و در آخر دیدگاه خود را نسبت به قرآن تغییر داد و از منظر حماسی به تفسیر مجدد پرداخت که موفق به تکمیل آن نشد و در راه رسیدن به آرمانش شهید شد.

در زمینه اسباب النزول، قواعد مختلفی مطرح است که مفسر باید در زمینه آنها آگاهی لازم را داشته باشد تا هنگام تفسیر قرآن، بر اثر غفلت از این قواعد، به سبب های نزول نامعتبر اعتماد نکند و تفسیر آیات شریفه را بر پایه های سست بنیان نهد (برای اطلاع بیشتر نک. اسباب نزول، حجتی) در طول تاریخ اسلام، بر اثر غرض ورزی جمعی و غفلت یا ناآگاهی جمعی دیگر، سبب نزول های جعلی یا برگرفته از تورات و انجیل و تعالیم یهودیت و مسیحیت، در مورد برخی از آیات مطرح شد و به مرور زمان، در کتاب های تفسیر و اسباب النزول رخنه کرد. یکی از مسائل مهم در علوم قرآنی، ارائه معیاری مشخص برای تشخیص سبب نزول های غیر واقعی از اسباب نزول راستین است و در صورتی که مفسر چنین معیاری در اختیار نداشته باشد، بی تردید در تفسیر قرآن دچار انحراف یا سرگردانی می شود.

مسأله دیگر، محدود کننده بودن یا نبودن سبب نزول نسبت به مفاد آیات است که در این خصوص، اکثر قریب به اتفاق صاحب نظران معتقدند که سبب نزول محدود کننده نیست. البته باید این اصل را با تحقیق به دست آورد و در هنگام تفسیر در مورد سبب

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (ع) / ۷۵

نزول‌ها به کار بندد. سید قطب در این مورد آیات را عام و مصداق اکمل آن را، شخصی که آیه در خصوص او نازل شده می‌داند.

تعدد و تعارض سبب نزول‌ها و چگونگی حل و جمع بین آنها، مسأله دیگری است که مفسر باید موضع محققانه خود در این خصوص را تعیین کند و به منزله نوعی خط مشی، در تفسیر از آن پیروی کند. مسائل یاد شده و امثال آن، دست مایه‌های مفسر در هنگام رجوع به اسباب نزول و استفاده از آنها در تفسیر آیات است و ناآگاهی از آنها تفسیر را دچار لغزش می‌کند. سید قطب در این مورد به حل این تعارض می‌پردازد. اما اگر این مورد در خصوص ائمه باشد، با توجه به این که بیشتر مفسرانی که سید قطب از تفاسیر آنها در فی ظلال القرآن سود جسته‌اند در ذیل آیات مطرح شده در این مقاله شأن نزول حقیقی و اصلی آن را آورده‌اند، در مورد آنها کم لطفی کند و برای حل تعارض آن با دیدگاه خود به حذف آن شأن نزول‌ها می‌پردازد.

مفسر باید در مورد مبانی و قواعد موضع‌گیری مستند و مستدل داشته باشد و از علوم مؤثر در تفسیر و منابع اولیه تفسیر، آگاهی کافی داشته باشد که یکی از مهم‌ترین منابع اولیه تفسیر شناخت اسباب النزول است. هر گونه تفسیر، به ویژه در بخش مهمی از معارف قرآنی، وابسته به آن موضع‌گیری و این آگاهی است و بدون احراز شرایط و اوصاف یاد شده، تفسیر به رونویسی و تقلید صرف از تفاسیر دیگر مبدل می‌شود یا سر از تفسیر به رأی در می‌آورد.

بی‌طرفی علمی در هر تحقیقی ضرورت دارد خواه آن تحقیق در زمینه کشف قوانین طبیعی و انسانی باشد و خواه در نایل شدن به فهم و درک سخن یا نوشته‌ای، ولی در خصوص قرآن، به لحاظ پیامدهای ارزشی آن، مسأله بسیار حساس‌تر است. روایات فراوانی هم که از تفسیر به رأی نکوهش می‌کند، ناظر بر همین نکته است. کلاً عدم رعایت بی‌طرفی علمی، گاه در قالب حاکمیت بخشیدن به تمایلات فردی و گروهی قرآن و تفسیر آیات، گاه به صورت حاکم ساختن آرای شخصی خود بر قرآن صورت می‌گیرد و گاه بر اثر مرعوب دیدگاه دیگران شدن و جرئت اقدام برای فهم نوین بر اساس قواعد را به خود ندادن و از نوآوری و فهم جدید و نکات بیشتر پرهیز کردن است. البته حاکمیت قواعد مسلم عقلی، قواعد محاوره عقلایی و اصول کلی برگرفته از

خود قرآن، با بی طرفی علمی کاملاً سازگار بوده، بلکه دخالت دادن آنها ضرورت دارد (بابایی و دیگران ۱۳۸۲: ۳۵۴-۳۵۳).

در مبحث پیش به آیات متعددی در خصوص ائمه علیهم السلام اشاره شد که نگاه اهل سنت، نسبت به روایات وارده در شأن ائمه علیهم السلام را چند گونه می توان تصور کرد:

۱. کسانی که از ذکر روایات وارده در شأن نزول آیات مربوط به ائمه علیهم السلام خودداری می کنند.

۲. کسانی که روایات را نقل می کنند اما برای آن معارض می آورند و در سند یا در دلالت آن بر فضیلت ائمه، خدشه وارد می سازند.

۳. گروهی روایات را ذکر می کنند و آن را از فضایل اهل بیت به شمار می آورند اما از دلالت آن بر استحقاق امامت، سکوت می ورزند یا در دلالت آن اشکال می کنند.

۴. کسانی هستند که در سند یا در دلالت این قبیل احادیث اشکالی نمی بینند اما می گویند عمل اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله که پس از آن حضرت، علی علیه السلام را جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله نپذیرفتند، دلیل بر آن است که این روایات باید به گونه ای توجیه شود.

هر چهار گروه دچار لغزش شده اند و اما لغزش دو گروه اول بسیار بیشتر است. سید قطب جز گروه نخست است و با سکوت خود به انکار این آیات می پردازد. با توجه به بیان تفسیری سید قطب در ذیل این آیات، که در این جستار بدان پرداختیم، می توان دیدگاه او را نسبت به آیات نازل در شأن اهل بیت علیهم السلام به چند قسم بیان کرد:

الف) در خصوص آیاتی که عملی از ائمه سر زده و پس از آن آیه نازل شده است: وی در تمامی موارد سکوت می کند و جز یک مورد (توبه: ۳) به بقیه اشاره نمی کند، در آن یک مورد نیز به جهت ذکر فضیلت ابوبکر مجبور به بیان شأن نزول آیه شده، اما به گونه ای آن را تأویل می کند تا فضیلت علی علیه السلام را ببوشاند.

ب) در مورد آیات اختصاصی ائمه به هیچ موردی اشاره نمی کند. در مورد کاری که فقط علی علیه السلام آن را انجام داد و به جز او کسی از عهده آن بر نیامد ذیل آیه نجوی - اشاره گذرا بدون توضیح و تبیین دارد.

ج) در آیاتی که حکم آن عام است، همه را دربر می گیرد ولی علی علیه السلام اولی از دیگران

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (ع) / ۷۷

است نیز سکوت نموده. اگر شأن نزول دیگری در این خصوص مطرح باشد، به نقل آن می‌پردازد، و در برخی موارد برای این که مصداق آیه را ابوبکر و عمر نشان دهد، بدون استناد به منبعی آیه را بر آنها منطبق می‌کند. در عین حال اگر در مورد آیه‌ای دو شأن نزول ذکر شده باشد، روایتی را که مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام است، حذف می‌نماید. او تا بدان جا پیش می‌رود که در ذیل آیه ۴۳ از سوره نساء که می‌فرماید: ﴿لا تقربوا الصلاة و انتم سكارى...﴾ ضعیف‌ترین روایت را نقل می‌کند و اظهار می‌دارد که مصداق این آیه حضرت علی علیه‌السلام است.

سید قطب در ذیل آیه ﴿و آذان من اللہ و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر...﴾ نیز نظر خود را در خصوص شأن نزول آیات چنین مطرح می‌کند:

روایت‌های متعددی درباره شرایط و ظروف این اعلان، شیوه تبلیغ و رساندن آن، و کسی که آن را تبلیغ کرد و رساند، نقل شده است. صحیح‌ترین و نزدیک‌ترین آنها به واقعیت روایتی است که ابن جریر بیان داشته است.

سید قطب در مواجهه با چنین روایاتی بر مبنای عقاید خود عمل می‌کند و می‌گوید: از چیزهایی صرف نظر می‌کنیم که از گفتار او (ابن جریر) نمی‌پسندیم و با آنها موافق نیستیم، یا سخنانی را که از گفته‌هایش بیان نمی‌داریم که برخی مخالف و متناقض با برخی دیگر در این باره است. زیرا ما روایت‌های متعددی و تعلیقات طبری را نقد و بررسی نمی‌کنیم، چیزی را که از میان سخنان وی ترجیح می‌دهیم، می‌نگاریم. (سید قطب [بی تا]: ج ۲، ۸۲۸-۸۲۷).

و این گونه به دلیل عدم رعایت بی طرفی علمی، در ذکر وقایع تاریخی دچار خطا و اشتباه می‌شود.

منابع و مأخذ

- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۳۶۴)، روح المعانی، چاپ اول، مصر، چاپ منیریه.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۵)، شرح نهج البلاغه، مصر، چاپ مصطفی الحلبي.

- ابن اثیر، علی بن محمد بن عبدالکریم [بی تا]، جامع الاصول؛ مصر، چاپ السنه المحمديه.
- ابن الجوزی، حنفی، یوسف بن قزاوغلی [بی تا]، تذکره الخواص، چاپ نجف.
- ابن حنبل، احمد [بی تا]، المسند، چاپ اول، مصر الصحابه.
- ——— (۱۴۰۲)، فضائل الصحابه، چاپ اول، موسسه الرساله.
- ابن صباغ مالکی [بی تا]، الفصول المهمه، چاپ نجف.
- ابن طلحه شافعی، محمد [بی تا]، مطالب السؤل، چاپ اول، چاپ نجف.
- ابن کثیر، اسماعیل [بی تا]، تفسیر القرآن العظیم، مصر، چاپ مصطفی محمد.
- ——— [بی تا]، البدايه و النهايه، مصر، چاپ السعاده.
- ابوبکر الجصاص، احمد بن علی (۱۴۰۶)، احکام القرآن، دارالکتب العربی.
- ابوحيان المغربی الاندلسی، محمد بن یوسف [بی تا]، البحر المحيط، ج اول، مصر، چاپ السعاده.
- الاصبهانی، احمد بن عبدالله [بی تا]، دلائل النبوه، چاپ حیدرآباد.
- امامی، جعفری [بی تا]، رهبری امام علی علیه السلام در قرآن و سنت، ترجمه المراجعات، سید شرف الدین موسوی، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی.
- بابایی، علی اکبر و دیگران (۱۳۸۲)، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات سمت.
- باقلانی، ابوبکر [بی تا]، التمهید، مصر، چاپ دارالفکر.
- بحرانی، سید هاشم، [بی تا]. غایه المرام، مؤسسه الوفاء.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۱۵)، معالم التنزیل، بیروت، دارالمعرفه.
- ——— [بی تا]. مصابیح السنه، چاپ المطبعه الخیریه.
- بیضاوی، عبدالله بن محمد [بی تا]، انوار التنزیل و اسرار التأویل، مصر، چاپ محمد.
- ترمذی، محمد بن عیسی [بی تا]، سنن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ثعلبی [بی تا]. الکشف و البیان، چاپ تبریز.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله [بی تا]، معرفه علوم الحدیث، چاپ مصر، مکتبه العلمیه.
- ——— (۱۹۸۴)، المستدرک، حیدرآباد.
- حسینی مرعشی شوشتری، نورالله (۱۰۱۹)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، هند.
- خازن نیشابوری، علاءالدین [بی تا]، لباب التأویل فی معانی التنزیل، مصر.

نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلہ در شأن ائمه (ع) / ۷۹

- خالدی، صلاح عبدالفتاح [بی تا]، سید قطب من المیلاد الی الاستشهاد، دمشق، دارالقلم.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۸۲)، دانشنامه علوم قرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات دوستان.
- خطیب تبریزی، مشکاه المصابیح، چاپ دهلی، [بی تا].
- خوارزمی، موفق بن احمد [بی تا]، المناقب، چاپ اول، چاپ تبریز [بی تا].
- دهنوی، شاه عبدالحق، [بی تا]، مدارج النبوه، چاپ لهنو.
- ذہبی، شمس الدین، [بی تا]، تلخیص المستدرک، حیدرآباد.
- — (۱۳۷۴)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله.
- رازی، فخرالدین [بی تا]، مفاتیح الغیب، مصر، چاپ البیہ.
- زرکشی، بدرالدین (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، دارالمعروفه.
- زمخشری، محمود بن عمر [بی تا]، الکشاف، مصر، چاپ مصطفی محمد.
- سنائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب [بی تا]، الخصائص، چاپ نجف.
- سید قطب [بی تا]، فی ظلال القرآن، دارالشروق.
- — ما چه بگویم (۱۳۷۰) ترجمه خسرو شاهی، هادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- سیوطی، جلال الدین [بی تا]، الدر المنثور، چاپ مصر، [بی تا].
- — [بی تا الف]، لباب النقول فی اسباب النزول، تصحیح: عبدالشافی، احمد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- — (۱۳۸۲). الاتقان فی علوم القرآن، به قلم حائری قزوینی، سید مهدی، تصحیح: ابراهیم محمد ابو الفضل، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- شافعی البغدادی، ابوبکر [بی تا]، تاریخ بغداد، چاپ قاهره، [بی تا].
- شاکری، حسین [بی تا]، علی فی کتاب و السنه، بیروت، دارالمورخ العربی.
- شوکانی الیمانی، محمد بن علی [بی تا]، فتح القدیر، مصر، چاپ مصطفی محمد.
- طباطبایی، سید محمد حسین [بی تا]، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- طبری، محب الدین (۱۳۵۶)، ذخائر العقبی، مصر.
- — محمد بن جریر [بی تا]، جامع البیان عن تأویل آئی القرآن، مصر، چاپ میمنیه.
- عسقلانی، احمد حجر [بی تا]، الاصابه، مصر، چاپ مصطفی محمد.

- عسکری، سید مرتضی [بی تا]، معالم المدرسین، ترجمه محمد جواد کرمی، تهران، انتشارات دانشکده علوم حدیث.
- عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن کثیر القرشی [بی تا]. تفسیر القرشی مصر، چاپ مصطفی محمد. قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۳۶)، الجامع لاحکام القرآن، چاپ مصر.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم [بی تا]، ینایع الموده لذوی القربی، چاپ اسلامبول.
- کاشفی، حسین [بی تا]، تفسیر المواهب، چاپ تهران.
- کاشفی، ملامعین الدین [بی تا]، معارج النبوه فی المدارج الفتوه. چاپ لکهنو.
- کشفی الترمذی، میر محمد صالح [بی تا]، مناقب المرتضوی، بمبئی، چاپ محمدی.
- کیپل، ژیل (۱۳۸۲)، پیامبر و فرعون (جنبش های نوین اسلامی در مصر)، ترجمه حمید، احمدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان.
- کنجی الشافعی [بی تا الف]، الرياض النضرة، چاپ محمد امین الخانجی، مصر.
- ——— [بی تا ب]، کفایه المطالب، چاپ الغری.
- متقی الهندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹)، کنز العمال، دارالکتب العلمیه.
- مظفر، محمد حسن (۱۹۷۶)، دلائل الصدق، دارالمعلم، قاهره.
- مهامی، علی بن احمد [بی تا]، مدارک التنزیل، مصر، چاپ عیسی الحلبی.
- نسفی، عبدالله بن احمد [بی تا]، مدارک التنزیل، مصر، چاپ عیسی الحلبی.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج [بی تا]، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
- واحدی نیشابوری [بی تا]، اسباب النزول، مصر. چاپ الهندیه.